

## واکاوی شرایط اعتبار وجه التزام در فقه و حقوق موضوعه ایران

سیده مرضیه حسینی کردی

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر

### چکیده

پیش از انعقاد قرارداد و در حین اجرای آن، همواره این دغدغه و نگرانی برای متعهدله وجود دارد که آیا متعهد به تعهد با تعهدات خود و منطبق با قرارداد خواهد کرد یا خیر و لذا به لحاظ اهمیت اجرای تعهدات قراردادی و دغدغه احتمال عدم اجرا یا تاخیر در اجرا و یا اجرای غیر منطبق با شرایط قرارداد که اصولاً هر کدام می‌تواند موجب ورود خسارت به متعهدله شود؛ قانونگذار ابزارهای حمایتی در جهت حفظ حقوق وی در نظر گرفته است. این ابزارهای حمایتی که در راستای جبران ضرر متضرر وضع شده‌اند از جمله عبارت‌اند از: اجبار و الزام متعهد به انجام تعهد توسط حاکم، حکم به جبران خسارت (مستفاد از مواد ۲۲۶ تا ۲۲۹ ق.م) علاوه بر این، قانونگذار بر اساس اصل آزادی و حاکمیت اراده در قراردادها، اجازه داده است که طرفین در هنگام انعقاد عقد یا قرارداد راساً و به طور توافقی پرداخت مبلغ مقطوع و معینی را پیش بینی و به عنوان شرط؛ ضمن عقد درج کند تا چنانچه مشروط علیه از اجرای تعهد خود امتناع کرد و یا در اجراء تاخیر داشت و یا اجرا منطبق با شرایط قرارداد نبود آن مبلغ را به مشروط له بپردازد. این ابزار حمایتی که در ماده ۲۳۰ ق.م و علی‌الاصول مبتنی بر قواعد شروط پیش بینی شده به وجه التزام مشهور است، بنابر اهمیت و کاربرد فراوان وجه التزام در عقود و قراردادها همواره یکی از موضوعات قابل بحث بررسی در حقوق مدنی بوده و سوالات و نظرهای متعددی را برانگیخته است. در نوشتار حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی به بررسی شرایط اعتبار وجه التزام در فقه و حقوق موضوعه ایران پرداخته شده است.

**واژگان کلیدی:** وجه التزام، تعهد، قرارداد، مسئولیت.

## مقدمه

پیش از انعقاد قرارداد و در حین اجرای آن، همواره این دغدغه و نگرانی برای متعهدله وجود دارد که آیا متعهد به تعهد با تعهدات خود و منطبق با قرارداد خواهد کرد یا خیر و لذا به لحاظ اهمیت اجرای تعهدات قراردادی و دغدغه احتمال عدم اجرا یا تاخیر در اجرا و یا اجرای غیر منطبق با شرایط قرارداد که اصولاً هر کدام می‌تواند موجب ورود خسارت به متعهدله شود؛ قانونگذار ابزارهای حمایتی در جهت حفظ حقوق وی در نظر گرفته است. این ابزارهای حمایتی که در راستای جبران ضرر متضرر وضع شده‌اند از جمله عبارت‌اند از: اجبار و الزام متعهد به انجام تعهد توسط حاکم، حکم به جبران خسارت (مستفاد از مواد ۲۲۶ تا ۲۲۹ ق.م) علاوه بر این، قانونگذار بر اساس اصل آزادی و حاکمیت اراده در قراردادها، اجازه داده است که طرفین در هنگام انعقاد عقد یا قرارداد راساً و به طور توافقی پرداخت مبلغ مقطوع و معینی را پیش بینی و به عنوان شرط؛ ضمن عقد درج کند تا چنانچه مشروط علیه از اجرای تعهد خود امتناع کرد و یا در اجراء تاخیر داشت و یا اجرا منطبق با شرایط قرارداد نبود آن مبلغ را به مشروط له بپردازد. این ابزار حمایتی که در ماده ۲۳۰ ق.م و علی‌الاصول مبتنی بر قواعد شروط پیش بینی شده به وجه التزام مشهور است، بنابر اهمیت و کاربرد فراوان وجه التزام در عقود و قراردادهای همواره یکی از موضوعات قابل بحث بررسی در حقوق مدنی بوده و سوالات و نظرهای متعددی را برانگیخته است.

در تعریف وجه التزام باید گفت: التزام که جمع آن التزامات است در لغت به معنای همراه بودن، ملازمه شدن، به گردن گرفتن و ملزم شدن به امری می‌باشد. در اصطلاح نیز التزام (وجه التزام) از آن جهت که معمولاً طرفین در حین انعقاد عقد معین می‌کنند و به همراه عقد می‌باشد نزدیک به معنای لغوی آن می‌باشد. وجه التزام مبلغی است که متعاقدين در حین انعقاد عقد به موجب توافق بعنوان میزان خسارت (مادی یا معنوی) محتمل الوقوع ناشی از عدم اجرای تعهد و یا ناشی از تاخیر در اجرای تعهد پیش بینی کرده و بر آن توافق کنند که ماده ۲۳۰ قانون مدنی ایران و ماده ۱۲۲۶ قانون مدنی فرانسه ناظر بر آن است. در نوشتار حاضر به بررسی شرایط اعتبار وجه التزام در فقه و حقوق موضوعه ایران پرداخته خواهد شد.

## مبحث اول: شروط عمومی وجه التزام

ماده ۱۹۰ مقرر می‌دارد که برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است:

- ۱- قصد طرفین و رضای آنها (اراده طرفین)
- ۲- اهلیت طرفین
- ۳- موضوع معین
- ۴- مشروعیت جهت معامله

## مبحث دوم: قصد و رضای طرفین شرط

هر قصدی مبتنی بر رضائی است که باید پیشاپیش در ذهن و نفس قاصد ایجاد شده باشد.

قصدی که مبتنی بر رضایت حقیقی نباشد اثر کامل حقوقی خود را نخواهد داشت و رضایتی که منتهی به قصد نگردد نیز تأثیری در عالم حقوق ندارد. بدین ترتیب شرطی که مبتنی بر اکراه و یا اشتباه باشد موجب خدشه و خلل در اراده و رضای طرف معامله یا مشروط علیه خواهد بود و چنین شرطی نافذ نیست.<sup>۱</sup>

از ملاک مواد ۱۹۵ و ۲۰۳ قانون مدنی چنین استنباط می‌شود که هر کس در حال مستی یا بیهوشی یا در خواب شرطی را بپذیرد به دلیل فقدان قصد باطل است. همچنین اگر کسی با اکراه شرطی را بپذیرد، هر چند ناشی از شخص خارجی و غیر از متعاملین باشد، نباید چنین شرطی را نافذ دانست.

<sup>۱</sup> - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، تأثیر اراده در حقوق مدنی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.

<sup>۲</sup> - ماده ۱۹۵ ق.م: اگر کسی در حال مستی یا بیهوشی یا در خواب معامله نماید، آن معامله بواسطه فقدان قصد باطل است.

<sup>۳</sup> - ماده ۲۰۳ ق.م: اگر اکراه موجب عدم نفوذ معامله است اگر چه از طرف شخص خارجی غیر از متعاملین واقع شود.

### مبحث سوم: اهلیت طرفین

اهلیت اصطلاحی است که حکایت از رشد و تکامل قوای ذهنی و شعور معامله کننده دارد. بدیهی است که چنانچه طرفین عقدی هنگام انعقاد دارای صلاحیت لازم باشند اما برای شرط ضمن آن که ممکن است حقوق فراوانی برای هر یک ایجاد کند و یا تکلیف بسیار سنگینی بر عهده آنها بگذارد، صلاحیت لازم را نداشته باشد مثلاً در اثر بروز حادثه‌ای محجور یا دیوانه شوند، نباید چنین شرطی را معتبر دانست. لذا با استناد به مواد 210<sup>1</sup> تا 223<sup>2</sup> ق. م باید شرطی را که طرفین آن فاقد اهلیت لازم هستند و یا مشروط علیه فاقد آن می‌باشد را غیر معتبر دانست.

### مبحث چهارم: معین و معلوم بودن موضوع و مورد شرط

یکی از مهمترین شرایط و بحث برانگیزترین آنها، معلوم و معین بودن موضوع شرط و تعهد ناشی از آن است. یعنی آنچه که طرفین شرط ضمن عقد باید در خصوص معین بودن موضوع شرط باید رعایت کنند عبارت است از اینکه: اولاً: چیزی را که باید بابت خسارت پرداخته شود معلوم و معین کنند. مثال هرگاه چنین توافق کنند که در صورت تخلف از اجرای تعهد، متعهد باید مبلغی (نامعلوم) پول به متعهد له بپردازد یا متعهد مقداری از محصول کشاورزی خود را بابت خسارت به مشروط له بپردازد، چنین شرطی معتبر نیست.

ثانیاً: از آنجا که باید بین موضوع شرط و خسارتی که بعداً به دلیل وقوع تخلف وارد می‌گردد، تناسبی وجود داشته باشد لازم است دقیقاً معین و معلوم باشد و با ضابطه‌ای معلوم و منطقی برای تعیین آن مشخص گردد. مثلاً یا از ابتدا معلوم کنند که چه مقدار کالا یا چه مبلغی پول بابت خسارت پرداخت خواهد شد و یا معلوم کنند به ازای هر روز تاخیر در اجرای قرارداد یا به ازای فلان مقدار تخلف در اجرای تعهد، فلان مبلغ پول بابت خسارت پرداخت خواهد شد. بنابراین شرطی صحیح است که دارای شرایط صحت معاملات باشد که یکی از مهمترین آنها مجهول نبودن موضوع شرط است. بسیاری از فقها شرط مجهول را بطور مطلق باطل دانسته و آن را از مصادیق غرر تلقی کرده‌اند.

با مبهم و معلوم نبودن و یا مردود بودن بین دو چیز، در واقع مورد شرط مجهول است و به دلیل فقدان یکی از ارکان صحت شرط، شرط باطل است.

### مبحث پنجم: مشروعیت جهت معامله

قانون مدنی ایران در بند 24<sup>3</sup> ماده 190 به لزوم مشروع بودن جهت معامله اشاره کرده و در بند 33<sup>4</sup> ماده 232 شرط نامشروع را باطل اعلام کرده است. در آثار فقهی و تالیفات فقها نیز عدم مخالفت با کتاب و سنت از شرایط صحت شرط شمرده شده است. با کنار هم گذاشتن این مقررات چنین به نظر می‌رسد که اساساً مشروع بودن کلیه تعهدات جزء شرایط لازم برای صحت آنهاست. اما نکته‌ای که قابل تامل است اینکه چرا در ماده 190 به مشروع بودن جهت معامله اشاره شده و در ماده 232 به مشروع بودن خود شرط تکیه شده است.

مثلاً هرگاه کسی در شرط خسارت یا وجه التزام بگوید: در صورت تخلف، متعهد باید یکصد تن انگور به مشروط له بپردازد. بی‌تردید چنین شرطی باطل نیست. اما اگر به جای انگور یکصد لیتر شراب تعیین شود، طبق بند 3<sup>5</sup> ماده 230 چنین شرطی باطل خواهد بود. حال آیا چنانچه در تعهدی موضوع آن نامشروع باشد نمی‌توان به استناد ماده 190 آن را باطل دانست؟ و نیز آیا چنانچه شرطی که موضوع آن مشروع ولی جهت آن نامشروع باشد، نمی‌توان به دلیل اینکه در ماده 232 راجع به جهت

<sup>1</sup> - ماده 210 ق. م: متعاملین باید برای معامله اهلیت داشته باشند.

<sup>2</sup> - ماده 19 ق. م: برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است: 1- قصد طرفین و رضای آنها. 2- اهلیت طرفین. 3- موضوع معین که مورد معامله باشد. 4- مشروعیت جهت معامله.

<sup>3</sup> - ماده 232 ق. م: شروط مفصله ذیل باطل است ولی مفسد عقد نیست: 1- شرطی که انجام آن غیر مقدور باشد. 2- شرطی که در آن نفع فائده نباشد. 3- شرطی که نامشروع باشد.

شرط اشاره نشده آن را هم باطل اعلام کرد؟ به نظر می‌رسد هرگونه تعهد یا شرطی که به طور تبعی مطرح می‌شوند چه موضوع آنها نامشروع باشد و چه جهت آنها، باید آنها را باطل دانست.

شرط نامشروع بدین معنا و مفهوم است که با قوانین آمره یا نظم عمومی اخلاق خسته منافات داشته باشد. از اینکه در بند ۳ ماده ۲۳۲ ق. م به مشروع بودن اشاره شده حکایت از اختصاصی بودن این شرط برای شرط ضمن عقد نیست و از اینکه در بند ۴ ماده ۱۹۰ به مشروع بودن جهت معامله اشاره شده، حکایت از نادیده گرفتن لزوم مشروع بودن موضوع معامله هم نیست. بدین خاطر باید چنین گفت مشروع بودن شرط آن را از شرایط اختصاصی صحت مشروط نمی‌کند و یا عدم ذکر مشروع بودن جهت معامله در مواد ۲۳۲ و ۲۳۳ دلیلی بر عدم لزوم آن در شروط نیست. بلکه اساساً مشروع بودن موضوع و مشروع بودن جهت معامله هر دو از شرایط عمومی همه معاملات از جمله شروط ضمن عقد است و از لحاظ تأثیر در عقود چه عقود اصلی و چه عقود هیچ فرقی با هم ندارند. چون شرط وجه التزام خود نوعی تعهد و عقد تبعی است پس شرایط چهارگانه فوق را بایستی داشته باشد.

#### مبحث ششم: شرایط اختصاصی صحت وجه التزام

با توجه به اینکه در مواد ۲۳۲ و ۲۳۳ ق. م شروط باطل نامبرده شده میتوان از مجموع دو ماده مذکور شرایط اختصاصی صحت شرط وجه التزام را در موارد ذیل جستجو کرد.

- ۱- انجام شرط باید مقدور باشد.
- ۲- شرط باید دارای نفع و فایده باشد.
- ۳- شرط باید خلاف مقتضای عقد نباشد.
- ۴- جهل به شرط نباید موجب جهل به دو عوض شود.

#### گفتار اول: شرط نباید غیر مقدور باشد

شرط نباید به گونه‌ای باشد که موجب مقدور شدن مدلول عقد اصلی یا اجرای مفاد آن گردد. التزام به امر غیر مقدور هر چند در ضمن عقد لازم و به صورت شرط باشد باطل است و مشمول ادله لزوم وفای به شرط نخواهد بود، اما آنچه غیر مقدور بودن شرط سبب غربی شدن عقد اصلی گردد و به تعبیر دیگر، انشای عقد اصلی مبتنی بر شرط غیر مقدوری گردد که علم به حصول آن در آینده نیست، چنین شرطی ممکن است سبب غروری شدن و در نتیجه بطلان عقد اصلی شود. برای روشن شدن مطلب، اولاً می‌دانیم که المتنع شرعاً کالممتنع عقلاً (چیزی که شرعاً و قانوناً ممنوع و غیر مجاز باشد همچون ممنوع بودن آن عقلاً است. ثانیاً چنانچه عقدی مبتنی بر شرطی شود که آن شرط غیر مشروع باشد در واقع اجرای عقد را غیر مقدور ساخته است. مثلاً هرگاه فروشنده‌ای خرما یا انگور خود را، به شرطی که خریدار آن را تبدیل به شراب نماید، بفروشد، چنین امری باطل است یا در صورتیکه طرفین یک تعهد پولی، صریحاً شرط اضافه گرفتن و به قصد ربا خواری را به عنوان شرط خسارت در نظر بگیرند، چنین شرطی باطل و طبق نظری که در بالا ذکر شد موجب بطلان تعهد اصلی نیز می‌گردد.<sup>۲</sup>

#### گفتار دوم: شرط باید دارای نفع و فایده باشد.

شرط باید مشروط له را در موقعیت برتری نسبت به مشروط علیه قرار دهد و غرضی از اغراض او را تامین کند و نیز نفعی برای او داشته باشد. بر همین اساس به عنوان یکی از شروط اختصاصی گفته می‌شود که باید در شرط، غرض و منفعت عقلانی محقق باشد.

#### گفتار سوم: خلاف مقتضای عقد نباشد

<sup>۱</sup> - ماده ۲۳۳ ق. م: شروط مفصله ذیل باطل و موجب بطلان عقد است: ۱- شرط خلاف مقتضای عقد. ۲- شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین شود.

<sup>۲</sup> - آهنگران، ۱۳۸۹، ص ۷۸

هر عقدی ماهیتی خاص و خصوصیتی منحصر به فرد خود و به تبع آن به اعتبار آن ماهیت، آثار و تبعات مختص به خود را دارد که آن را از سایر عقود متمایز می‌سازد. این خصوصیات و آثار به لحاظ اهمیت و وابستگی به عقد همیشه و در تمام موارد یکسان نیستند بلکه برخی از آنها چنان با ماهیت عقد آمیخته شده‌اند که در نزد عرف یا از نظر قانون، در واقع ذات و جوهر عقد محسوب می‌شوند. طرفین عقد نیز به قصد حصول آن نتیجه یا اثر، اقدام به خلق چنین ماهیتی می‌نمایند. پاره‌ای دیگر از آنها که از خصوصیات ذاتی عقد محسوب نمی‌شوند، صرفاً برای تکمیل شرائط عقد و یا تکمیل اراده مشترک طرفین در هنگام انعقاد عقد در نظر گرفته می‌شوند. خصوصیات دسته نخست را مقتضای ذات عقد و دسته دوم را مقتضای اطلاق عقد نامیده‌اند. فقها و حقوقدانان، در اینکه شرطی یا چیزی خلاف مقتضای عقد است مباحث زیادی را مطرح کرده‌اند. طبق ماده ۲۳۰ ق. م نه تنها شرط خلاف مقتضای عقد باطل است بلکه موجب بطلان عقد اصلی نیز می‌گردد. دلیل بطلان شرط خلاف مقتضای عقد این است که در فرض اراده انشاء مدلول شرط، مدلول عقد زائل فرض می‌شود. و با فرض زوال عقد هویت شرط منتفی است. در نتیجه از نظر عرف اراده متاخر که نشانگر قصد واقعی طرفین خواهد بود، اساساً موضوع عقد را زائل کرده و به طبع آن جایی برای شرط ضمن آن باقی نخواهد گذاشت. لذا منطقی است که نه عقد صحیح باشد و نه شرط.

#### گفتار چهارم: جهل به شرط نباید موجب جهل به دو عوض گردد

گفته شد که شرط به خودی خود به عنوان یک عقد هر چند تبعی و فرعی نباید مبهم و نامعلوم باشد، اما شرط به ما هو شرط که زانده‌ای است بر یک عقد اصلی و وابسته به آن، اگر به گونه‌ای مجهول باشد که جهل ناشی از آن به عقد اصلی یعنی به دو عوض عقد سرایت کند موجب بطلان عقد نیز خواهد شد. بطور مثال هرگاه طرفین در قراردادی چنین مقرر کنند که سازنده هواپیما موظف است ظرف یکسال ده فروند هواپیمای خاص را تولید و تحویل خریدار دهد و ثمن عبارت است از یکصد میلیون دلار و در صورت تخلف از اجرای تعهد بابت خسارت به ازای هر روز تاخیر هر میزان که خریدار مایل باشد از ثمن معامله را کسر کند، در این صورت شرط خسارت یا وجه التزام به دلیل مجهول بودنش موجب جهالت در ثمن خواهد شد و لذا عقد را نیز باطل می‌کند که به این امر در ماده ۲۳۳ ق. م تصریح شده و شرط مجهول سازی به عوضین را باطل و مبطل عقد دانسته است.

بنابراین شروط ضمن عقد از جمله شرط وجه التزام علاوه بر اینکه باید شرائط اساسی صحت برای تمام عقود و تعهدات را، از آن جهت که فی نفسه نوعی عقد ولو عقد تبعی محسوب می‌شوند. دارا باشند باید به اعتبار اینکه ظهور آنها در کتاب سایر عقود نیز بی‌تأثیر در آنها نخواهند بود، شرائط اختصاصی دیگری را هم داشته باشند که به چهار مورد آن اشاره شد.

#### مبحث هفتم: شرط خسارت توافقی

الزام به پرداخت خسارت ناشی از عدم انجام تعهد امری اجتماعی و حقوقی است که جهت حفظ نظم و تعادل در جامعه احترام به عهد و پیمان میان طرفین قرارداد برقرار شده است. زمانی که فردی متعهد به امری شد اجرای آن وظیفه قانونی، اجتماعی، اخلاقی و حتی دینی او محسوب می‌شود.

این امر کاری پسندیده در همه جوامع و ملل بوده و تخلف از آن به عنوان نوعی خطا و عمل ضد اجتماعی تلقی می‌گردد. به همین منظور و برای جلوگیری از این تخلف، غالب کشورها در قوانین خود ضمانت‌های اجرایی که عمدتاً مالی می‌باشد را پیش بینی کرده‌اند (جبران خسارت طرف غیر مقصر). در حقوق ایران نیز این امر به روشنی پیش بینی شده است.

برای این کار قانون مدنی ابتدا خسارات قراردادی و غیر قراردادی را از یکدیگر جدا کرده و هر یک را به طور مجزا بحث نموده است در این قانون، عقود که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم الاتباع است مگر اینکه به رضای طرفین اقاله و یا به علت قانونی فسخ شود.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - ماده ۲۱۹ ق. م: عقود که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم مقام آن لازم الاتباع است مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا بعلت قانونی فسخ شود.



بر اساس این ماده هر عقد لازمی که مبنای قانونی داشته و یا ایجاد آن مخالف با قانون نباشد الزام آور بوده و طرفین موظف هستند کلیه تعهدات مندرج در آن را اجرا کنند. در غیر این صورت متخلف مسئول جبران خسارت طرف مقابل خواهد بود، مشروط به اینکه این جبران در عقد یا قانون تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد (ماده ۲۱۹ ق.م) استثناء این امر موردی است که عدم اجراء به واسطه حادثه‌های غیر قابل پیش بینی و یا غیر قابل دفع توسط متعهد باشد (قوه قاهره یا فورس ماژور).<sup>۱</sup>

به استثنای مورد خسارت توافقی، پرداخت خسارت به آن منظور است که متضرر را در وضعی قرار دهد که اگر قرارداد اجراء می‌گردید در آن وضع قرار می‌گرفت. (مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ ق.م) با این حال استحقاق خسارت در صورتی که موعد قرارداد سپری نگردیده و یا خسارت به عنوان جانشین اجراء تعیین نشده باشد، باعث نخواهد شد که طرف متضرر نتواند درخواست اجرای تعهد را همزمان با درخواست خسارت بنماید.

به منظور جبران ضرر ناشی از تخلف قراردادی ۳ راه در حقوق ایران پیش بینی شده است:

الف: تعیین صریح ضرر و زیان در هنگام انعقاد عقد اصلی و پیش از ورود خسارت، توسط طرفین پرداخت این خسارت یا بوسیله ضرر زننده است که از آن به شرط وجه التزام یاد می‌شود و یا به وسیله شخص ثالث که از آن به بیمه یاد می‌گردد.

ب: تعیین راه و نحوه جبران خسارت پس از ورود آن این حالت روشن‌ترین وضعیت را در حقوق ایران دارا است و هر نوع توافقی برای جبران آن پس از ورود خسارت مادام که مخالف قانون نباشد، صحیح و معتبر بوده و در صورت عدم توافق، دادرسی گره گشای مشکل خواهد بود.<sup>۲</sup>

ج: تعیین میزان و نحوه جبران خسارت توسط قانون (مانند حکم دادگاه)، و یا عرف (تعیین ضمنی طرفین) با توضیح این مقدمات ابتدا به بررسی تعریف، ماهیت و ویژگی‌های شرط خسارت توافقی می‌پردازیم، برای این کار به مفاد ماده ۲۳۰ ق.م مراجعه و ضمن بررسی آن ماهیت و ویژگی‌های این شرط را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### تعریف خسارت توافقی

بر اساس ماده ۲۳۰ ق.م خسارت توافقی مبلغی است که هر دو طرف یک قرارداد (که تعهد اصلی آن پرداخت وجه نقد نباشد) در ضمن مذاکرات قراردادی خویش به عنوان خسارت قطعی متضرر، ناشی از تخلف طرف مقابل، تعیین کرده و به صورتی که مخالف قانون نباشد در قرارداد درج می‌کنند. نکته قابل توجه آن است که باید میان این مبلغ (وجه التزام قراردادی) با (وجه التزام قضائی) که دادگاه در مرحله رسیدگی به اختلاف طرفین برای تأخیر در انجام تعهدی که جز توسط متعهد انجام پذیر نیست تعیین می‌نماید و قابل کاهش و یا افزایش هم هست و وجه التزام غیر قراردادی که قانون در موارد خاصی مشخص می‌کند تفاوت گذارد.

چه در دو نوع آخر به هیچ وجه عنصر اراده و توافق طرفین وجود نداشته و در نتیجه از موضوع این بحث خارج است.

### مبحث هشتم: ماهیت شرط خسارت توافقی و ویژگی‌های شرط خسارت

آنچه از مفاد ماده ۲۳۰ ق.م به عنوان عناصر ضروری تشکیل دهنده شرط خسارت توافقی در حقوق ایران استنباط می‌شود عبارتند از: الف- خسارت تعیین شده باید به صورت مبلغی پول باشد اگرچه تعیین مال دیگری به جای آن نیز ممکن است. پرداخت مبلغ می‌تواند به صورت نقد باشد و یا در برخی قراردادها از قبیل قرارداد حمل و نقل و مقاطعه کاری به صورت کسر از مبلغ استحقاقی متعهد، مثل مال الاجاره حیوان و یا ماشین آلاتی که به اجاره گرفته شده است.

ب- مبلغ فوق باید به صورت مقطوع و غیر قابل تغییر تعیین شود. بدین منظور لازم است که طرفین در طول مذاکرات قراردادی احتمال وقوع خسارت و میزان آن را به دقت ترین وجه بررسی و پیش بینی کرده و مبلغی را که جبران کننده آن

<sup>۱</sup> - ماده ۲۲۹ ق.م: اگر متعهد بواسطه حادثه که دفع آن خارج از حیطه اقتدار اوست نتواند از عهده تعهد خود برآید محکوم به تأدیه خسارت نخواهد بود.

<sup>۲</sup> - ماده ۷۵۰ ق.م: صلح ممکن است یا در مورد رفع تنازع موجود و یا جلوگیری از تنازع احتمالی در مورد معامله و غیر آن واقع شود.

باشد در قرارداد ذکر نمایند، چرا که در غیر این صورت و به علت غیر قابل تغییر بودن آن در مرحله اجرا ممکن است یکی از دو طرف مورد اجحاف قرار گرفته و خسارت تماماً جبران نشود. این استنباطی است که از قانون می‌شود اگرچه ادعای مخالف آن نیز شده است. به نظر دکتر کاتوزیان: اگر مبلغ توافقی بر اساس تزویر و حیل‌هایی که یک طرف قرارداد به کار می‌برد چنان کم باشد که به نظر مسخره و بی‌معنی آید، در واقع چنان رفتار می‌شود که گوئی اصلاً مبلغی تعیین نشده و شرط فوق به شرط عدم مسئولیت تبدیل می‌شود و یا اگر مبلغ بسیار گزاف شد، به علت استیفاء ناروای طلبکار شرط نافذ نخواهد بود.<sup>۱</sup>

ج زمان تعیین این مبلغ و تکمیل شرط، بر اساس نص ماده فوق در ضمن معامله است که منظور در طول مذاکرات قراردادی و همزمان با انعقاد قرارداد است نه پس از آن. با این حال به نظر می‌رسد هر توافقی که قبل از وقوع تخلف بدین منظور صورت پذیرد (به صورت الحاقیه قرارداد) نیز می‌تواند دارای اعتبار بوده و قابل مطالبه تلقی گردد. به علاوه می‌توان شرط خسارت را در قرارداد لازم جداگانه دیگری نیز توافق و وارد نمود.<sup>۲</sup>

د- امکان مطالبه این خسارت توسط طرف متضرر بستگی به شرایط توافق طرفین است.

اگر نوع خاصی از تخلف قراردادی (فعل یا ترک فعل) سبب استحقاق متضرر به این مبلغ گردد فقط در همان زمان وی می‌تواند درخواست آن را بنماید و در سایر تخلفات چنین حقی نخواهد داشت اما اگر توافق خاصی در این زمینه صورت نپذیرفته باشد، ارتکاب هر نوع تخلفی که سبب تاخیر در اجرا و یا عدم اجرای تعهدات گردد متضرر حق خواهد داشت این مبلغ را مطالبه نماید.

ه- شرط خسارت توافقی باید ضمن یک عقد لازم آمده باشد. در این صورت اگر شرط باطل شود عقد لطمه‌ای نمی‌بیند، اما اگر عقد باطل شود شرط ضمن آن نیز باطل خواهد گردید.

#### گفتار اول: ویژگی‌های شرط خسارت توافقی

ویژگی‌های شرط خسارت توافقی را می‌توان بشرح ذیل احصاء نمود.

الف: مقطوع بودن مبلغ شرط.

ب: مبلغ شرط شده خسارت می‌باشد نه جریمه.

ج: متضرر به محض وقوع تخلف استحقاق دریافت مبلغ مندرج را دارد.

د: عدم لزوم اثبات ورود خسارت و لازم نبودن اثبات میزان خسارت توسط متضرر.

#### مبحث نهم: شرایط استحقاق خسارت توافقی

اگر چه ماده ۲۳۰ اعتبار شرط خسارت توافقی را اعلام نموده، ولی ذکر از تخلفی که ارتکاب آن متضرر را مستحق دریافت مبلغ آن می‌نماید ننموده است، اعمال و اجرای شرط خسارت توافقی در حقوق ایران در موارد و قراردادهای مختلف متفاوت بوده و تنها بستگی به توافق طرفین نداشته بلکه به ماهیت قرارداد نیز ارتباط دارد. شرط خسارت توافقی ممکن است در هر یک از دو حالت عدم انجام تعهد و تاخیر در انجام تعهد قابل اجرا باشد.

#### مبحث دهم: دخالت دادگاه‌ها

علیرغم صراحت ماده ۲۳۰ ق. م در تنفیذ شرط خسارت توافقی توسط دادگاه‌ها، کم و بیش بین حقوقدانان بحث ضرورت تجدید نظر در این خصوص مطرح شده و برخی پیشنهاد اعطاء حق مداخله به دادگاه‌ها در مواردی که مبلغ توافقی زیاد بوده و سبب اجحاف بر یک طرف می‌باشد را داده اند به عبارت دیگر ایشان تفوق انصاف و عدالت را بر مقررات قانون ترجیح می‌دهند، به اعتقاد این گروه مفاد ماده ۲۳۰ در برخی مواقع ممکن است منتهی به بی‌عدالتی و بی‌انصافی گردد و بایستی دادگاه‌ها

<sup>۱</sup> - کاتوزیان، ۱۳۶۸، ج ۴، صص ۲۴۵-۲۴۴.

<sup>۲</sup> - همان، ص ۲۴۱.

اختیار مداخله داشته باشند تا رابطه دو طرف را تعدیل نمایند اما همانطوریکه قبلاً ذکر شد این پیشنهادها هنوز منتج به نتیجه نشده.

### مبحث یازدهم: خسارت توافقی و انواع آن

در حقوق ایران مبلغی را که دو طرف یک قرارداد در هنگام عقد تعیین می‌کنند تا در صورت تخلف، یک طرف به طرف دیگر بپردازد تنها وجه التزام نبوده بلکه انواع دیگری نیز دارد که در ذیل به آنها می‌پردازیم.

#### گفتار اول: وثیقه و بیعانه

وثیقه و بیعانه شروطی هستند که برخی مواقع به عنوان مقدمه عقد میان طرفین استفاده می‌شوند. وثیقه مبلغی است که توسط یک طرف قرارداد (مشتري، مستاجر،...) به طرف مقابل پرداخت می‌شود تا وی را از عزم پرداخت کننده در اجرای قرارداد مطمئن ساخته و همچنین تضمینی برای پرداختهای بعدی باشد و چنانچه به دلیلی این قرارداد ادامه پیدا نکرد دریافت کننده وثیقه ملزم به استرداد آن است مگر خلاف آن توافق شده و یا عرف چنین باشد که در صورت تخلف پرداخت کننده، وثیقه توسط دریافت کننده ضبط گردد.<sup>1</sup>

بیعانه نیز در عقد بیع (منقول و غیر منقول) پرداخت می‌شود، وقتی که خریدار به درخواست فروشنده و یا به هر دلیل دیگری مایل باشد از قصد خویش بر تحقق قطعی عقد و انتقال عوضین اطمینان ایجاد کرده و در نتیجه مبلغی را پیش یا همزمان با عقد به عنوان بخشی از ثمن به فروشنده بپردازد. که تعهد می‌کند بقیه را در موعد مقرر (یعنی در زمان تسلیم مبیع) در اقساط معین و یا نقداً پرداخت نماید و اگر عقد به دلیلی محقق نشد فروشنده آن را به وی مسترد دارد (در عقود اسلامی نیز همانطور که پیش‌تر مورد بررسی قرار گرفت پدیده مشابهی تحت عنوان بیع العربون موجود می‌باشد)

#### گفتار دوم: هزینه عدول

هزینه عدول مبلغی است که یک طرف قرارداد در هنگام عقد به طرف دیگر می‌پردازد تا علاوه بر اطمینان دادن به او از جدیت و تصمیم خویش در عقد، رضایت وی را نیز در فسخ احتمالی قرارداد جلب نماید و اگر بعد از آن به هر دلیلی از ادامه قرارداد سرباز زند حق استرداد آن را نداشته باشد.

باید خاطر نشان کرد که هزینه عدول جزئی از قیمت قرارداد نبوده و در صورت ادامه و تحقق قرارداد حقی برای دریافت کننده آن ایجاد نمی‌کند، اما اگر قرارداد ادامه پیدا نکرد این مبلغ تنها خسارت دریافت کننده است و حق مطالبه بیشتر ندارد.

#### گفتار سوم: خسارت از خسارت

اصولاً پرداختی تحت عنوان خسارت از خسارت در حقوق ایران به رسمیت شناخته نشده و هر گونه توافقی در این زمینه باطل و بلااثر است. این نوع خسارت در واقع از موارد بارز ربا است که در حقوق اسلام نهی و در حقوق موضوعه نیز بر همین اساس و سایر مضرات اجتماعی و اقتصادی آن پذیرفته نشده است.

#### گفتار چهارم: وجه التزام

وجه التزام نوع مرسوم و متداول خسارت توافقی است که طرفین یک عقد در مذاکرات خویش آن را پیش بینی کرده و استحقاق آن را مشروط به وقوع تخلفها می‌نمایند. در حقوق ایران به این نوع شرط، شرط وجه التزام می‌گویند که در آن هیچ پرداختی قبل از تخلف وجود نداشته و مقررات ماده ۲۳۰ ق. م حاکم بر آن بوده و اختیار انتخاب مبلغ نیز به عهده طرفین گذاشته شده است.

### مبحث دوازدهم: مبانی فقهی و حقوقی خسارت در قراردادها

<sup>1</sup> - حسن آبادی، ۱۳۸۱، ص ۶۷



شرط تعیین قراردادی خسارت خود یک تعهد قراردادی است. به عبارتی دیگر، اگرچه شرط، تعهدی است تبعی و فرعی اما به نوبه خود همانند سایر تعهدات دارای مبانی و همچنین آثار مشابه با آنهاست. بنابراین شرط تعیین قراردادی خسارت را باید به عنوان یک تعهد مورد مطالعه قرار داد و بالطبع مبانی آن را هم باید از این منظر نگریست.

اصولا هر عاقلی وفای به عهد را اعم از اینکه ناشی از یک تعهد یا قرارداد اصلی باشد یا ناشی از شرط ضمن آن، نیکو و پسندیده می‌داند و در مقابل نقض عهد و تخلف از اجرای تعهد را زشت و ناپسند می‌شمارد. به همین دلیل اجماع مسلمانان و ضرورت دین و حتی همه ادیان نیز بر حسن وفای به عهد و لزوم رعایت آن قائم است. از سوی دیگر لزوم و وجوب وفاء حسب مقتضای مورد است. بالطبع و عقد بیع و اجاره به گونه‌ای و در عقود جایز مثل مضاربه و شرکت نیز به گونه‌ای دیگر. اما آنچه مسلم است شرط نیز به عنوان یک تعهد از شمول این قاعده مستثنی نیست. در میان فقهای امامیه هر چند اختلافاتی در خصوص لزوم وفای به شرط ضمن عقد دیده می‌شود اما این اختلافات خدشه‌ای در اعتقاد به اصل لزوم وفای به عهد وارد نمی‌سازد. مرحوم شیخ انصاری از فقهای بزرگ شیعه با استناد به آیات و روایات وارده، وفای به شرط را لازم دانسته و اظهار می‌دارند: علاوه بر ادله‌ای که بر لزوم وفای به شرط دلالت دارند، به استناد عموم وجوب وفای به عهد و با توجه به اینکه شرط جزائی از ارکان عقد است مومنان مکلف به وفای عقود و شروطشان می‌باشند.<sup>۱</sup> بنابراین در وجوب و لزوم وفای به عهد که شرط نیز به نوعی عهد تلقی می‌شود تردیدی وجود ندارد. با توجه به مطالب مطرح شده در فقه، در اینجا به چند مورد از مبانی شرط خسارت توافقی اشاره می‌نمائیم.

#### گفتار اول: لزوم وفای به عهد

محتوای ماده ۱۰ ق. م را می‌توان مبنای مهم دیگری در تأیید این شرط دانست بر اساس مفهوم این ماده طرفین قرارداد می‌توانند هرگونه شرطی را که مایل باشند به منظور جبران خسارت احتمالی آتی در قرارداد خود درج نمایند و بر همین اساس نیز ملزم به اجرای آن هستند، مشروط بر اینکه مخالف قانون نباشد و الا شرط باطل است (عقد صحیح است) همچنین طبق ماده ۲۱۹ ق. م اگر عقدی متضمن چنین شرطی باشد بین طرفین لازم الاتباع است و فقط به رضای آنان یا به علت قانونی قابل فسخ می‌باشد.

در اسلام نیز وفای به عهد از اهمیت خاصی برخوردار است و توصیه‌های دینی آن را از سطح یک تکلیف اخلاقی بالاتر برده و یک تکلیف دینی و حقوقی به شماره آورده است.

در این رابطه آیه شریفه: یا ایها الذین امنوا وفوا بالعقود، مؤمنین را امر به اجرای تعهدات خویش می‌نماید. همچنین حدیث امام جعفر صادق (ع) نیز مومنین را پایبند به تعهدات خویش میداند مگر اینکه شرطی باشد که برخلاف حکم خداوند بوده و حلالی را حرام و یا حرامی را حلال نماید (المومنون عند شروطهم الا شرطا احل حراما و حرم حلالاً)

بدین ترتیب دیگر عذری برای مومنین در عدم اجرای تعهدات خویش باقی نمی‌ماند مگر اینکه شرط نامشروع و خلاف قانون باشد که مجاز به نقض آن می‌باشند.

#### گفتار دوم: اصل تسلیط

بر اساس این اصل مردم بر مال و دارایی خود تسلط داشته و می‌توانند هرگونه تصرفی که مایل هستند و مخالف قانون نباشد در آن نموده و مال خود را به مصرف برسانند بنابراین آنها می‌توانند هر نوع قرارداد مجازی را منعقد کرده و هر نوع شرط صحیحی، از جمله شرط خسارت توافقی را در آن بگنجانند.

#### گفتار سوم: قانون (ماده ۲۳۰ قانون مدنی)

اولین مبنای حق تعیین خسارت توسط طرفین یک قرارداد قانون است. در حقوق ایران ماده ۲۳۰ ق. م اولین متن قانونی در این زمینه است ماده فوق بیان می‌دارد.

<sup>۱</sup> - انصاری، ۱۴۲۴، ص ۲۸۳.

و اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف متخلف مبلغی به عنوان خسارت تادیه نماید، حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر و پاک‌تر از آنچه ملزم شده است محکوم کند. اگرچه این ماده ترجمه‌ای از قسمت اول ماده ۱۱۵۲ ق.م.فرانسه است که مقرر می‌دارد زمانی که در قراردادی مقرر شود که طرفی که تعهد خود را انجام نمی‌دهد باید به طرف مقابل مبلغ معینی به عنوان خسارت بپردازد، بیشتر و یا کمتر از این مبلغ را نمی‌توان به نفع وی رای داد.

اگرچه قانونگذار ایرانی تاکنون توجهی به بخش دوم ماده ۱۱۵۲ ق.م.فرانسه که در سال ۱۹۷۵ به بخش اول اضافه گردیده نکرده، بخش دوم ماده ۱۱۵۲ ق.م.فرانسه چنین بیان می‌کند که: با این حال قاضی محکمه می‌تواند با صلاحدید و تشخیص خود و یا به هر دلیل دیگر، خسارت مورد توافق را اگر به طور مشهودی زیاد بوده و یا بطور نامناسبی کم باشد، کاهش و یا افزایش بدهد. هر تصمیمی که در قرارداد برخلاف این امر گرفته شده باشد فرض بر عدم وجود آن خواهد بود.

در سوالی که از کمیسیون استفتائات شورای عالی قضائی وقت کشور در سال ۱۳۶۲ به شکل زیر به عمل آمد: مطالبه و وصول وجه التزام در قراردادهای که شرط عدم انجام تعهد بوده است دارای جنبه شرعی بوده و می‌توان وجه التزام اجرا از کسی که تعهدی داشته و بدان عمل ننموده صرف نظر از علل، مطالبه نمود یا خیر؟ پاسخ داده شده که اگر این شرط در ضمن معامله‌هایی شده باشد که در صورت تخلف متخلف مبلغی را به عنوان خسارت تادیه نماید، مطالبه چنین وجه تخلفی با توجه به ماده ۲۳۰ ق.م.بلا اشکال است.<sup>۱</sup>

تا حدودی شبیه همین مفهوم در ماده ۳۸۶ قانون تجارت ایران نیز مندرج است وقتی مقرر می‌دارد: اگر مال التجاره تلف یا گم شود متصدی حمل و نقل مسئول قیمت آن خواهد بود... قرارداد طرفین می‌تواند برای میزان خسارت مبلغی کمتر و یا زیاده‌تر از قیمت کامل مال التجاره معین نماید.

#### گفتار چهارم: لزوم جبران خسارت متضرر بی‌تقصیر

قاعده عقلی و حقوقی دیگری نیز پشتیبان این شرط است هرگاه کسی به عمد و یا به تقصیر موجب خسارت فرد دیگری باشد نظام اجتماعی و حقوقی و همین طور رویه و منش عقلاً ایجاب می‌کند که آن ضرر بدون جبران نمانده و ضرر زننده به عنوان نزدیک‌ترین فرد و عامل ایراد خسارت مسئول جبران آن باشد.

قاعده لاضرر در اسلام که بر اساس آن وجود هرگونه حکم ضرری و یا هر نوع ضرر بدون جبران در اسلام نهی شده و فرد خاطی مسئول جبران ضرر وارده شناخته شده است نیز مؤید همین مطلب می‌باشد.

#### گفتار پنجم: اصل صحت

در حقوق ایران اصلی وجود دارد که منشأ آن در فقه اسلام بوده و در مباحث مختلف حقوقی در تفسیر و یا استنباط احکام به حقوقدانان کمک می‌کند این اصل که پشتیبان صحت شرط خسارت توافقی می‌باشد اصل صحت است.

بر اساس این اصل هر عقد و یا شرطی که در درستی و اعتبار آن از یک طرف و یا بطلان و بی‌اعتباری آن از طرف دیگر تردید شود نظر بر درستی و صحت آن داده می‌شود.<sup>۲</sup> در واقع این اصل تأییدی است بر مشروعیت و اعتبار شرط خسارت توافقی، وقتی که مخالفت آن با قانون یا رویه قضائی به تردید افتد اثر دیگر این اصل آن است که مدعی فساد عقد یا شرط را موظف به اقامه دلیل و اثبات آن می‌نماید.

#### مبحث سیزدهم: آثار وجه التزام در فقه و حقوق

قواعد مذهبی گاه بشارت بخش و گاه بیم دهنده می‌باشند آنجا که قرآن کریم می‌فرماید: مبشراً و نذیراً به همین جهت حتی اگر در قالب مقررات خشک حقوقی نیز تنظیم نگردد بشر از روی اراده و احساس قلبی آن‌ها را به موقع اجرا می‌گذارد.

<sup>۱</sup> - قربانوند، ۱۳۸۴، ص ۸۷

<sup>۲</sup> - محقق داماد، ۱۳۸۵، ص ۴۷

تحقیقات نشان دهنده این واقعیت است که حتی اگر مذهبی غیر آسمانی در جامعه وجود داشته باشد این حسن را دارد که افراد جامعه را کنترل کند بطور مثال مذهب پگو در هندوستان، که مذهبی آسمانی نبوده اما وسیله کنترل خوبی در جامعه هندوستان شمار می‌رود این مطلب گویای این واقعیت است که هر چه مقررات حقوقی یک کشور با مذهب و اعتقادات قلبی سازگارتر باشد از نظر روانی به نفع خودشان و دولتهاست چرا که اولاً دولت مجبور نیست برای وادار ساختن مردم به اجرای قواعد و قوانین موضوعه، هزینه‌ای صرف کند چرا که مردم خود به خود عمل می‌کنند ثانیاً قوه قضائیه کمتر با قانون شکنان مواجه می‌شود و بی جهت نیست که در عمل گاه رنگ و بوی مذهبی به خود گرفته‌اند. گواه این ادعا را می‌توان در تقسیم ترکه در ایران در طول قرن‌ها را عنوان نمود که همواره به کتاب و سنت توسل جسته و به آن عمل نموده‌اند و از نظر روانی در مواردی که به مقررات فقهی عمل شده احساس مغبون شدن نداشته‌اند.

از سوی دیگر دین صرفاً محدود به جنبه باطنی و روحی انسان نیست و اصول خاصی برای زندگی دنیوی ترسیم نموده است. نگاهی به قرآن، تورات یا انجیل نشان می‌دهد که این متون مقدس محدود به علم دین نیستند. سراسر این کتب مملو است از قوانینی که با مسائل اجتماعی و حقوقی سروکار دارند مانند مقررات خانواده، مالکیت، ارث، تعهدات و .... بنابراین با ارتباط حقوق و دین در طول تاریخ عملاً فقه به عنوان یکی از علوم دینی با حقوق در ارتباط بوده و هست و با توجه به اینکه قرآن همواره مورد عنایت فقها در استنباط احکام بوده است می‌توان به این امر اذعان نمود که قرآن نیز نقش بسزائی در تدوین مقررات حقوقی داشته است. گذشته از این مسئله که حقوق قرن‌ها ارتباط خود را با مبانی دینی حفظ نموده است، حتی پس از انقلاب مشروطه نیز ارتباط دین و حقوق به همین صورت باقی ماند.

### نتیجه‌گیری

هر چند دیدگاه‌های مختلفی در خصوص وجه التزام و خسارت در قراردادهای وجود دارد اما آنچه می‌توان بیان نمود اینکه اولاً به استناد اصل حاکمیت اراده طرفین و در اجرای ماده ۱۰ ق. م در قراردادهای و به استناد اصل حجیت ظواهر الفاظ ثانیاً با توجه به نظریه حقوقدانان که قانون‌گذار در وضع قوانین عمل لغوی انجام نمی‌دهد و با وضع هر عبارتی مقصود از آن را بیان می‌کند و مدلول آن نظر وی می‌باشد، در قراردادهای نیز طرفین با قید و عبارتی مدلول آن را قصد می‌کنند و با قید وجه التزام در واقع امر دیگری را غیر از اصل تعهد را نیز قصد می‌نمایند که در صورت تخلف متعهد، بر ذمه وی بار خواهد شد. ثالثاً: تعیین وجه التزام به عنوان بدل از تعهد اصلی نیست تا در صورتیکه متعهد اصل تعهد را اجرا نکند متعهد فقط می‌تواند وجه التزام را بخواهد بلکه وجه التزام تضمین اجرای قرارداد است و به عنوان تضمین قراردادی است و به محض اینکه متعهد مرتکب تخلف شد ضمانت اجرای قرارداد بر عهده وی می‌آید که این امر ارتباطی به اجرای اصل قرارداد نخواهد داشت و حتی به نظر می‌رسد که نیاز به اثبات تقصیر متعهد نیست بلکه به محض عدم انجام تعهد هم وجه التزام و هم موضوع قرارداد بر عهده متعهد خواهد بود. رابعاً تفکیک بین این که وجه التزام مربوط به خسارت ناشی از تاخیر در انجام تعهد باشد با موردی که وجه التزام بر التزام تعهد باشد ترجیح بلا مرجع است و هیچگونه ادله ترجیحی بر این امر وجود ندارد خامساً وجه التزام موجود در قراردادهای هم از نظر حقوقی و هم از نظر فقهی و هم از رویه قضائی مورد تأیید قانون‌گذار می‌باشد و نباید در صحت آن دچار تردید شد.



## منابع

- 1- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد ۱، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۷۶.
- 2- انصاری، شیخ مرتضی، مکاسب، قم، انتشارات تقی علامه، ۱۴۲۴.
- 3- آهنگران، محمد رسول، بررسی، فقهی و حقوقی وجه التزام بانکی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره ۴۰، ۱۳۸۹.
- 4- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، تأثیر اراده در حقوق مدنی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.
- 5- حسن آبادی، امیر؛ بررسی وجه التزام مندرج در قرارداد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال دوم، شماره چهارم، زمستان ۸۱.
- 6- قربانوند، محمد باقر، تحقیق موقعیت وجه التزام در قراردادها، مجله کانون وکلا، ۱۳۸۴.
- 7- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، ج ۳، تهران، شرکت انتشار، ۱۳۷۶.
- 8- \_\_\_\_\_، قواعد عمومی قراردادها، حقوق مدنی، ج ۳، تهران، بهنشر، ۱۳۶۸.
- 9- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، بخش مدنی، چاپ ششم، تهران، سمت، ۱۳۸۵.



## Analyzing the conditions of validity of pledge in jurisprudence and subject law of Iran

**First Author** Seyedeh Marzieh Hoseini Kordi

Master's degree in private law, Islamic Azad University, Qaimshahr  
branch

### 1-1- Abstract

Before concluding the contract and during its implementation, there is always this concern for the obligee whether he will fulfill his obligations in accordance with the contract or not, and therefore in terms of the importance of the implementation of the contractual obligations and the concern of the possibility of non-implementation or delay In execution or non-conformance with the terms of the contract, any of which can cause damage to the obligee; The legislator has considered protective tools to protect his rights. These protective tools that have been established in order to compensate for the loss of the victim include: the compulsion and obligation of the obligee to fulfill the obligation by the ruler, the order to compensate the damage (using articles 226 to 229 BC) in addition, the legislator based on the principle of freedom And the rule of will in contracts has allowed the parties to foresee the payment of a lump sum and certain amount during the conclusion of the contract and as a condition; It should be included in the contract so that if the conditional party refuses to perform its obligation, or if there is a delay in the performance, or if the performance is not in accordance with the terms of the contract, it will pay that amount to the conditional party. This protective tool, which is based on the provisions of article 230 BC and based on the rules of conditions, is known as pledge, due to the importance and use of pledge in contracts and contracts, it has always been one of the topics that can be discussed in civil law and the questions And it has provoked many opinions. In the present article, the conditions of validity of pledge in Iranian jurisprudence and subject law have been investigated in a descriptive-analytical way.

**Keywords:** Obligation, commitment, contract, responsibility.